

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۲۶ جون ۲۰۲۱



نعیم سلیمی

افسانه یاد فراموشی جامعه جهانی در حاشیه جنگ افغانستان

عزیزرفیعی، رئیس شبکه جامعه مدنی افغانستان درین اواخر دغدغه ای را بالا نموده که جامعه جهانی [آشیانه دیپلوماسی دزدان امریالیستی سرمایه داری] پس از امضای موافقتنامه صلح با طالبان نظاره گر اوضاع بوده و کدام واکنش واضح در قبال حملات طالبان نداشته است. برداشت و نتیجه گیری اخیر روزنامه هشت صبح و سایر رسانه های کلیشه گرا در قبال این موضوع چنین است که گویا جامعه جهانی مانند گذشته افغانستان را به باد فراموشی می سپارد.

اما باید سؤال نمود که آیا گاهی این جامعه (جامعه جهانی) در تمامی تاریخ پیدایش خود تا به امروز کدام اندیشه و دغدغه ای را در مورد افغانستان و دیگر کشورهای جهان سومی و عقب مانده به جز از کشورهای سرمایه داری به سر پرورنده و یا این که کدام برنامه مؤثری را برای صلح و تأمین امنیت آن ها داشته است؟

سیاست خارجی همیشه و در همه جا ادامه و تداوم سیاست داخلی است و دیپلوماسی صرفاً یک وسیله تقسیم غنائم استثمار و بهره کشی کارگران جهان و به طور خاص آن مستعمرات اسبق کشورهای سرمایه داری می باشد که ملل متحد مانند یک انجمن زمینه ساز برای این وسیله در عرصه بین المللی عمل می نماید.

ملل متحد از جانب قدرت های امپریالیستی بزرگ اداره می گردد و تنها زمانی دست به کار می شود که این قدرت ها موافقت نمایند.

در قرن نهم، صدراعظم حزب توری (حزب محافظه) بورژوازی انگلستان به نام لارڈ پالمرستون، [افسانه] جامعه جهانی را با چنین الفاظی بیان نمود:

"ملت ها دوستان دائمی یا متحدان دائمی ندارند، آنها صرفاً دارای منافع دوامداری باشند " .

اما تا جاییکه ه مربوط به جنگ و صلح افغانستان و افزایش خشونت های اخیر میان دولت و طالبان از یک طرف و سایر جنگ ها در مناطق مختلف جهان می گردد ، باید یاد آور شد که دولت های سرمایه داری خود را به دوستان و دشمنان صلح تقسیمبندی نمی نمایند . تحت ساختار سرمایه داری درجهان چیزی و مفهومی به نام ، صلح ، وجود ندارد؛ زیرا که هر کشور امپریالیستی در جست و جوی منافع نگهداشت صلح برای خودش بوده و به همان اندازه ای که این منفعت به تندی و زشتی بیشتر روابط ارتقاء نماید، به همان اندازه این صلح برای حریفان وی غیر قابل تحمل خواهد بود.

بناءً برای درک و طرح درست مسأله ماهیت خشونت های موجود در کشور بایسته است تا جنگ افغانستان را در چنین یک کانسپتی مد نظر داشت ، نه آنچه را تا کنون در تحلیل های سطحی نگر در شبکه های اجتماعی و رسانه های جمعی برای همراهی مردم ما دست به دست می شوند .

اشتباه بزرگ [به اصطلاح جنبش چپ] این است که تعدادی زیادی از پیروان این جنبش ملل متحد را یک مرجع خوب در برابر بد تلقی نموده و آن را دست آورد مترقی و منور سرمایه داری مدرن می دانند .

ملل متحد نمی تواند به یک سازمان دموکراتیک و مترقی برای تأمین صلح جهانی مبدل شود . موجودیت نظام سرمایه داری در جهان مانع بزرگ در برابر صلح می باشد ، برای این که تاریخ گواه جنگ های بی پایان درامتداد ادامه حیات این نظام بوده که تا کنون ادامه دارد .

بناءً احمقانه به نظر می رسد تا به اردوگاه سرمایه و حاکمان آن برای پایان جنگ هائی که از جانب خود این اردوگاه راه اندازی شده ، دست امید را دراز نمود .

تنها برجسته ساختن اولویت منافع اردوگاه کار و اتحاد آن در جهان و افغانستان در برابر غارت گران و استثمارگران خودی و بیرونی می تواند به جنگ و رنج بی پایان میلیون ها انسان زحمتکش در گیتی خاتمه دهد .